پیام

جبهه ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۲۸ یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۵۹ — ۴ صفحه ۱۰ ریال

سرطان سانسور، مجلس شورای ملی را هم دربر گرفته است

مجلس شورای ملی در راه شورای انقلاب

مجلس شورای ملی باپنهان کاری موفق به‌انجام رسالت خود نخواهدشد

باتشکیل مجلس شورای ملی آخرین نهاد قانونی نظام جمهوری اسلامی پا به عرصه وجود گذاشت.

بسیاری از قدرتمندان دوران بعد از انقلاب معتقد بودند که تسریع در تصویب قانون اساسی جدید وانتخاب رئیس‌جمهور و تشکیل مجلس شورای ملی امنیت وثبات سیاسی را در نظام جدید مستقر خواهد کرد و کشور باسرعت در جهت سازندگی پیش خواهد رفت.

اینان بدون اینکه موجبات و مقتضیات متناسب باهدفهای انقلاب فراهم آمده باشد و جو هیجان و شدت جای خود را به تفاهم گسترده آگاهانه ملی داده باشد در این راه پیش رفتند و به ترتیبی که همه از آن آگاهند نهادهای قانونی نظام جدید را پایه‌گذاری کردند و اکنون با تشکیل مجلس شورای ملی کوششهای خود را برای تسلط همه‌جانبه بر امور حکومت دنبال میکنند.

مابحث راجع به‌ارزیابی نتایج این روش را به وقت دیگری موکول میکنیم و نشان خواهیم داد که لجاجت برای تحمیل روشهای انحصارطلبانه و بهره‌برداری ناصحیح از هیجانات عمومی که معمولا بعد از هرانقلاب و جنبشی سراسر جامعه را فرا میگیرد چگونه امکانات عظیم پس از انقلاب را بنابودی سپرده است.

ولی اکنون که نهادهای نظام قانونی جمهوری اسلامی هر یک پشت سر دیگری بطور رسمی پایه‌گذاری شده است صرفنظر ازملاحظات وبحثها و عقایدی که درباره هر یک وجود دارد این نهادها باید بطور صحیح و برطبق قانون اساسی به وظایف خود مشغول شوند.

باآنکه چند ماه از تصویب قانون اساسی میگذرد هنوز از اجرای اصول و مواد آن خبری نیست.

رئیس‌جمهوری که مدتی است انتخاب شده تاکنون نتوانسته به اصلی‌ترین وظیفه خود که انتخاب نخست وزیر و هیئت دولت است بپردازد.

پیش‌درآمد مجلس شورای ملی نیز چیزی بیشتر از قانون اساسی و رئیس جمهوری نشان نمیدهد.

مجلس شورای ملی که مرکز تجمع نمایندگان ملت و محل انعکاس و برخورد آراء و عقاید مردم است درهاله‌ای

بقیه در صفحه ۴

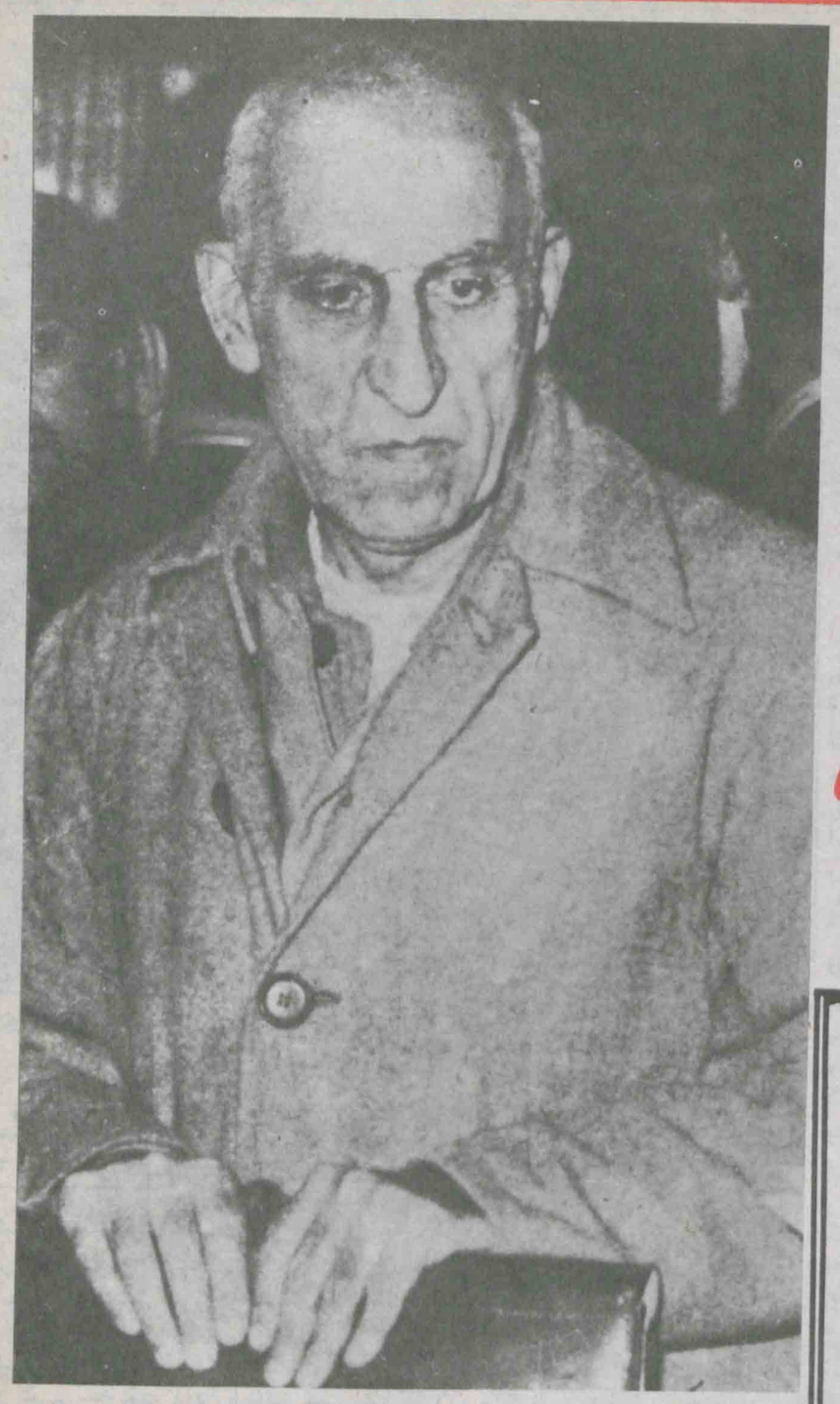

خشم و عصیان مصدق در بیدادگاه نظامی

یادنامه زادروز مصدق

تعطیل انتخابات کانون وکلا تخطئه یک انتخابات سالم ومترقی است

شب هنگام پنجشنبه گذشته از طریق رادیو اطلاع حاصل شد که طبق تصمیم شورای انقلاب انتخابات هیئت مدیره کانون وکلاء که قرار بود روز شنبه (دیروز) انجام شود برای مدت زمان نامعلومی بتعویق افتاده و آنرا موکول به انجام پاکسازی در جامعه وکالت نموده‌اند. باتوجه باینکه قاطبه وکلای دادگستری را مردم شرافتمند و آزاده تشکیل میدهند تعویق انتخابات کانون بعنوان پاکسازی کم اهمیت گرفتن مبارزات صمیمانه اعضاء این صنف در انقلاب شکوهمند ملت ایران است. انتخاب کانون وکلاء دادگستری همیشه نمونه یک انتخابات سالم مترقی بوده است بنحویکه رژیم سرنگون شده دیکتاتوری نیز بخود این جرات رانمیداد که کوچکترین دخالتی درآن بعمل آورد ولی متاسفانه با تصمیمی که از طرف شورای انقلاب اتخاذ شده این دژ آزادی و دفاع از حق نیز از مداخلات انحصارطلبانه در امان نمانده است. برحسب مصوبه شورای انقلاب هیئت مدیره کنونی کانون تا انجام انتخابات بعدی که تاریخ آن نامشخص است کانون وکلاء را اداره خواهد نمود. این امر منافی قانون استقلال کانون وکلاست و از طرف همه عناصر آگاه جامعه بشدت محکوم شود.

درهمین زمینه تلگرافی از جانب ۹ نفر کاندیداهای انتخاباتی کانون بعنوان آقای بنی‌صدر مخابره شده است که آقایان دکتر میشری وزیر سابق دادگستری و دکتر انواری نایب رئیس فعلی کانون وکلاء از امضاء کنندگان آن هستند.

متن تلگرام پاین شرح است.

جناب آقای رئیس‌جمهور

رونوشت مجلس شورای ملی

جمهوری اسلامی ایران — رونوشت

جناب آقای فروهر.

حسب اعلام هیئت نظارت انتخابات کانون وکلاء که در حدود یک ماه پیش باطلاع عموم رسیده است امروز (شنبه ۲۴ خرداد) برای انتخابات هیئت مدیره کانون وکلاء تعیین شده است. متاسفانه در آخر وقت روز پنجشنبه از طریق رادیو اطلاع حاصل شد که حسب تصمیم شورای انقلاب انتخابات کانون تعطیل شده و انجام آنرا موکول به پاکسازی درجامعه وکالت نمودند بدون اینکه تاریخ انجام پاکسازی و ضرب‌الاجل آن معین باشد. اتخاذ چنین تصمیم خلق‌الساعه و اعلام آن در رادیو در آخرین لحظات که وکلای دادگستری از اقصی نقاط کشور به سائقه انجام وظیفه اجتماعی وصنفی بتهران آمده‌اند حکایت ازیک وضع غیرعادی و غیر اصولی میکند بخصوص که این تصمیم طبق معمول با امضاء رئیس‌جمهور ورئیس شورای انقلاب ابلاغ نشده است. هیچیک از وکلای دادگستری مخالف با تصفیه جامعه وکالت از عناصر ناصالح نیست ولی تعطیل کردن کانون باین سبب هیچگونه مجوز قانونی و منطقی ندارد زیرا کانون وکلاء ۳۰ نفر از عناصر مرتبط باساواک را که شناسائی شده بودند از جامعه وکالت طرد نموده و اگر باز هم عناصر معدودی از این قماش در بین وکلاء وجود داشته باشند بسبب عدم همکاری دستگاههای دولتی و مرکز اسناد ملی در معرفی آنها است که سوابق موجود در کانون موید این مطلب است. وکلائی نیز که در خدمت رژیم گذشته بوده یا با آن همکاری داشته‌اند اکثرا متواری و در

بقیه در صفحه ۴

فرهنگ نخعی طی نامه‌ای به پیام جبهه ملی اعلام کرد:

فخرالدین حجازی سردبیر روزنامه خراسان بود

بدنبال چاپ متن تلگرام سیدمحسن محسنیان بحضور امام خمینی در باره سوابق فخرالدین حجازی که در شماره ۲۵، پیام جبهه ملی چاپ و نیز متن جوابیه فخرالدین — حجازی که در شماره ۲۷ چاپ گردید، نامه‌ای از فرهنگ نخعی (ریمن) در همین مورد به دفتر روزنامه واصل گردید که بدون هیچگونه اظهار نظری عینا چاپ میشود.

بسمه تعالی

اداره محترم روزنامه پیام — جبهه ملی

در شماره ۲۵ مورخه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۹ آن جریده شریفه متن تلگرام آقای سید محسن محسنیان در باره آقای فخرالدین حجازی درج شده بود و مرابر آن داشت که بذکر سابقه‌ئی در اینمورد پرداخته جهت درج بآن روزنامه گرامی تقدیم دارم.

اینجانب که در سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۳۲ بمبارزات شدید و کوبنده علیه استعمار انگلیس و آمریکا و شوروی و

بقیه در صفحه ۴

جبهه ملی حمله به میتینگ سازمان مجاهدین خلق را محکوم میکند

بعدازظهر روز پنجشنبه گذشته سازمان مجاهدین خلق با کسب اجازه قبلی از وزارت کشور مراسم میتینگ وسخنرانی در امجدیه برپا نموده بود که گروه کثیری از مردم تهران در مراسم مزبور شرکت داشتند. ولی بر اثر مخالفت و هجوم و درگیریهای افراد چماق‌بدستی که خود را حزب‌اللهی مینامند. محل مورد بحث تبدیل به صحنه جنگ و زدوخورد گردیده و پاسداران برای متفرق ساختن مردم شروع به تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور کردند که در نتیجه در این درگیریها یکنفر کشته و حدود ۴۰۰ نفر مجروح گردیده‌اند که حدود پنجاه نفر از مجروحین تاکنون بحال بستری دربیمارستانها بسر میبرند.

در این مورد آقای رئیس جمهور ضمن سخنرانی خود در رشت و همچنین آقای معاون وزارت کشور در رسانه‌های همگانی عمل تهاجم چماق بدستها را شدیدا تقبیح و اضافه کردند که کارهای ناهنجار افراد به‌اصطلاح "حزب‌اللهی" موجب بی‌آبرویی انقلاب اسلامی ایران خواهد بود.

جبهه ملی ایران نیز حملات شرم‌آور این افراد غیر مسئول را که به‌هشدارهای مکرر رهبر انقلاب و آقای رئیس جمهور و سایر مقامات مسئول بهیچوجه اعتنا و توجهی نمی‌کنند تقبیح و محکوم مینماید.

بزرگداشت زادروز مصدق

مراسم بزرگداشت سالروز تولد دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران امروز ساعت ۶ بعدازظهر در محل تشکیلات مرکزی جبهه ملی واقع در خیابان سیمتری (کارگر) مقابل ستاد ژاندارمری برگزار میشود. در این مراسم آقای دکتر کریم سنجابی سخنرانی خواهند کرد.

پس از انجام سخنرانی فیلمی از مبارزات دکتر مصدق و یارانش بنام "خلع ید" ساخته حسین ترابی و فیلمی بنام "برای آزادی" که نشان‌دهنده مبارزات مردم ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب میباشد، نمایش داده خواهد شد.

از عموم علاقه‌مندان و طبقات مختلف دعوت میشود که در این مراسم شرکت نمایند.

مصدق وحماسه نبرد با امپریالیزم

در تاریخ ملتهای کهنسال جهان در کنار بسیاری از نامهای نام آوران، با نامهای چندی برخورد میگردد که در طول تاریخ آن ملتها در ابعادی بسیار عظیم‌تر از دیگر مبارزان و قهرمانان مطرح بوده‌اند، به گونه‌ایکه هرقدر زمان میگذرد، اعتبار و اهمیت نقش تاریخی آنها بیشتر جلوه‌گر میشود.

در تاریخ کهنسال و پرفراز و نشیب ملت ایران نیز ما در زمانهای مختلف شاهد حضور چنین چهره‌هائی هستیم که امیرکبیر و مصدق در طی دو قرن اخیر دو نمونه بارز آن بشمار میروند.

برای آنکه بتوان اهمیت و عظمت این دو چهره را در تاریخ ملت ایران بازشناخت، ایجاب میکند تا زندگی این دو از نخستین زمانی که وارد حیات اجتماعی سیاسی خود میشوند، گام به گام مورد توجه و بررسی قرار گیرد. زیراکه هر گفته و نوشته و کارشان در راستای معین و مشخصی قرار داشته و یک دم از اصول و هدفهائی که در رابطه باسعادت و آزادی و سربلندی میهن وملت خویش برگزیده بودند تخطی نکردند و لحظه‌ای از قبول مسئولیت شانه خالی نکردند.

مصدق چه در دوران حکومت قاجار و چه در زمان رضا خان و پسرش از اصولی که بحق بدان معتقد بود در نگذشت.

اگر بخواهیم راه مصدق و اصول و هدفهای او را در چند جمله خلاصه کنیم باید بگوئیم که مصدق در تمامی طول عمر برای تحقق هدفهای زیر شجاعانه مجاهدت کرد:

— حفظ استقلال و آزادی و تمامیت ارضی ایران.

— تلاش برای ایجاد جامعه‌ای سعادتمند و نیکبخت و برکنار از ستم و تجاوز صاحبان زر و زور و احترام به‌آزادی.

— کسب هویت و حیثیت ملی با اتکاء برخویشتن و اعتبار بخشیدن به ملت ایران در سطح جهانی.

دکتر مصدق در راستای این هدفها در حالیکه بخوبی از ضعف و ناتوانی و درماندگی حکومت قاجار آگاهی داشت، با تمام نیرو میکوشید تا از تغییر سلسله و تسلط یافتن رضا خان، و عامل سیاست انگلیس بر ایران جلوگیری کند، او به روشنی میدانست که در پی این تغییر ظاهری، چه دوران خفقان ووابستگی شدیدی آغاز خواهد گشت، او با آنکه خود در فرنگ زندگی کرده بود و درس خوانده بود، با مسئله وابستگی مطلق و بی چون و چرا و ناآگاهانه به فرهنگ غربی بشدت مخالف بود و بهمین دلیل گفته‌ها و نوشته‌هایش چنان بود که براحتی برای همه مردم ایران قابل‌فهم ودرک

بقیه در صفحه ۴

من خاک پای ملتم و مقدرات من از مقدرات او جدا نیست

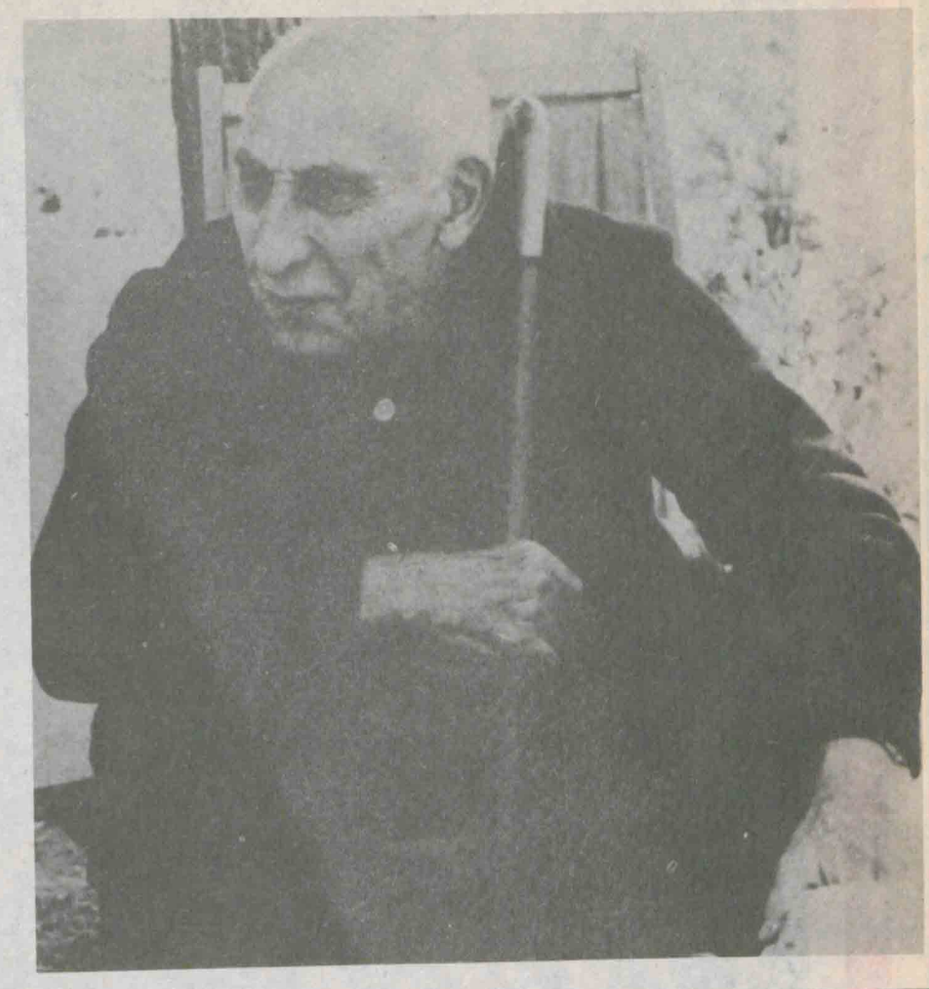

در روزهای آخر حیات و در اندیشه ملت محروم ایران

زندگی نامه مصدق

از : دکتر حسین موسویان

دکتر مصدق ابر مرد تاریخ نهضت ملی ایران و پرچمدار مبارزات ضد امپریالیستی کشورهای استعمارزده آسیا و آفریقا روز ۲۹ رجب ۱۲۹۹ قمری در تهران بدنیا آمد ، تاریخ مزبور از روی تطبیق با جداول تطبیقی بعدها با روز ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۲۶۱ شمسی مطابقت داده و یادداشت شده است ، ولی با توجه به محاسبه دقیقی که اساتید و صاحب نظران اخیرا " بعمل آورده اند اطلاع قطعی حاصل شد که ۲۹ رجب ۱۲۹۹ قمری دقیقا " با ۲۶ خردادماه ۱۲۶۱ شمسی مطابقت مینماید و از این روی ۲۶ خردادماه زاد روز قهرمان ملی ایران است .

پدرش میرزا هدایت آشتیانی از رجال ترقی‌خواه و از علاقه‌مندان و پیروان میرزا تقی‌خان امیرکبیر و مادرش ملک تاج خانم نجم‌السلطنه بانی بیمارستان نجمیه تهران بود . دکتر مصدق پس از طی تحصیلات مقدماتی ومعمول در آن زمان در سال ۱۲۷۱ درسن ده سالگی بعداز مرگ پدر متصدی استیفای خراسان گردید . (مسئول رسیدگی به کلیه حسابهای استان و تهیه دستور العمل مالی و بودجه) و چیزی نگذشت که در زمره کاردان‌ترین مستوفیان قرارگرفت ولی خیلی زود بعلت علاقه‌اش به علوم جدید شغل پدری را کنار گذاشت و در همان ابامیکه مدرسه سیاسی در ایران تاسیس گردید به تحصیل در آن مدرسه پرداخت و از محضر استادانی اندیشمند مانند میرزا عبدالرزاق بغایری و غلامحسین خان رهنما و میرزا جواد قریب و شیخ محمد علی کاشانی کسب فیض نمود .

هنگام انقلاب مشروطیت در کنار آزادیخواهان قرارگرفت و پس از پیروزی انقلاب مشروطیت در حالیکه هنوز به سن ۳۰ سالگی نرسیده وازنظر سنی شرایط نمایندگی نداشت از طرف آزادیخواهان و روشنفکران و سایر اهالی اصفهان به نمایندگی اولین دوره مجلس شورای ملی انتخاب شد که خود وی در آن تاریخ از قبول وکالت امتناع نموده و اظهار داشت نمیخواهد با قبول کار خلاف مقررات زیربا نهادن قانون را بدعت گذارد .

شکست آزادیخواهان

پس از شکست آزادیخواهان و خاتمه مشروطه اول مصدق مدتی مخفی و متواری شد و با اینکه هر لحظه امکان توقیف و نابودی او میرفت حاضر به تحصن درسفارت انگلیس نگردید و در اولین فرصت به اروپا عزیمت کرده و درمدرسه علوم سیاسی پاریس بمدت دوسال و بعد از آن در نوشاتل سوئیس به تحصیلات عالیه پرداخته و به اخذ دکترا در علم حقوق توفیق حاصل نمود و پس از بازگشت به ایران درسمت استاد مدرسه علوم سیاسی درتهران بکار تدریس اشتغال یافت در مهرماه ۱۲۹۳ مصدق برای روشن کردن اذهان و آماده کردن زمینه برای لغو کاپیتولاسیون در ایران کتابی بنام کاپیتولاسیون و ایران نوشت و منتشر ساخت و شعار الغای این بدیده استعماری را مطرح نمود . در سال ۱۲۹۶ خورشیدی بعنوان معاونت وزارت دارائی و ریاست کل محاسبات مشغول بکار گردید و در همین سمت بود که جمعی از سوء استفاده کنندگان عالی رتبه آن وزارتخانه را باکمک وطنخواهان پاکدامن و به پشتیبانی افکار عمومی بدادگاه معرفی و به محاکمه کشانید و آنها را به مجازات قانونی رسانید . در کابینه بعدی یعنی کابینه مشیرالدوله دکتر مصدق بوزارت دادگستری منصوب گردید ولی بدرخواست اهالی فارس از مشیرالدوله به فرمانروائی آن ایالت منصوب شد .

و دراین سمت باخدمات خود دراستقرار امنیت وجلوگیری از باجگیری متنفذین و مبارزه دائمی با سه هزارو پانصدتن نیروی پلیس استعماری جنوب که در اختیار انگلیس‌ها بود محبوب اهالی فارس گردید .

هنگامی که کودتای رضاخانی در سوم اسفند ۱۲۹۹ بوقوع پیوست دکتر مصدق استاندار فارس بودو نخستین کسی بود که در برابر کودتا مقاومت کرد ولی تلاشهایش برای انصراف احمدشاه ازروش منفی و اقدام به مبارزه علیه کودتا وجلب نظر سایر شخصیت ها و حکام دراین راه بجائی نرسید . تنها خودش دولت کودتا را به رسمیت نشناخت و کودتاچیان را به چیزی نگرفت و از اجرای دستورات آنها سر باز زده و در مقابل تهدید و تطمیع و اصرارپیاپی مقامات مرکزی بهیچوجه تسلیم نشد . او بالاخره ازمقام خود استعفاء داد و چون دستور توقیف او صادر شده بود به منطقه بختیاری عزیمت کرد ومدتی در میان ایل بختیاری ماند تا کابینه سپه نخست وزیر شد وچون مصدق نخست وزیری رضاخان را شروع یک دیکتاتوری مطلق در راه حفظ منافع بیگانه میدانست از قبول وزارت در کابینه او امتناع کرد وچون انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی در جریان بوداز طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد .

و در همین مجلس بود که مسئله طرح ماده واحده برای شروع سلطنت رضاخان پیش آمد و او بود و تنها او بود که در مورد بسلطنت رسیدن رضاخان شدیدا " به مخالفت برخاست و تا آخر روی حرف خود ایستاد در همین مجلس پنجم بود که او فریاد کشید : " پادشاه فقط و فقط می تواند بواسطه رای اعتماد مجلس یک رئیس الوزرائی را بکارگمارد . خوب اگر ماقائل شویم که آقای رئیس الوزراء پادشاه بشوند آنوقت درکارهای مملکت هم دخالت کنندو همین آثاریکه امروز از ایشان ترشح میکند در زمان سلطنت هم ترشح خواهد کرد شاه هستند ؟ رئیس الوزراء هستند ؟ فرمانده کل قوا هستند ؟ بنده اگر سرم را ببرند و تکه تکه‌ام و آقا سید یعقوب هزار فحش بمن بدهد زیر بار این حرفها نمی روم ــ بعد از بیست سال خونریزی آقای سید یعقوب شما مشروطه طلب بودید ؟! آزادیخواه بودید ؟ بنده خودم شما را دراین مملکت دیدم که بالای منبر میرفتید و مردم را دعوت به آزادی میکردید حالا عقیده شما اینست که یک کسی در مملکت باشد که هم شاه باشدهم رئیس الوزراء ، هم حاکم ! اگر اینطور باشد که ارتجاع صرف است ، استبداد صرف است پس چرا خون شهداء راه آزادی را بیخود ریختید ؟!

چرا مردم را بکشتن دادید ؟ میخواستید ازروز اول بیائید و بگوئیدکه ما دروغ گفتیم مشروطه نمیخواستیم آزادی نمی‌خواستیم یک ملتی است جاهل و باید با چماق آدم شود .

اگر دنیا وطن همگی است ، پس این جنگها و آدمکشی‌ها برای چی است و اگر هر ملتی برای خود وطنی دارد ، پس چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است

مبارزه مصدق

مبارزه مصدق با سلطنت رضاخان بجائی نرسیدو اکثریت نمایندگانی که با لیست سازی‌ها به مجلس رفته بودند ماده واحده را تصویب کردند .

مصدق در دوره ششم هم به پارلمان راه یافت ولی پس از اتمام دوره ششم و از بین رفتن کامل آزادی انتخابات و استقرار حکومت ترور و وحشت ، مصدق که میدانست رضا خان مترصد است آنچه را که او در دوره‌های پنجم و ششم گفته تلافی درآورد برای جلوگیری از هر حادثه‌ای تهران را ترک و به احمدآباد رفت و تا اواخر سلطنت رضا خان در احمد آباد باقی ماند و بالاخره روز پنجم تیرماه ۱۳۱۹ زمان انتقام گرفتن از او فرا رسیدو بدست مأموران شهربانی رضا خانی گرفتار شد . و پس از چند روز به زندان بیرجند انتقال یافت و در همین زندان بود که رضاخان توطئه قتل اورا چید و مصدق بگونه ای تصادفی از این مهلکه جان بدر برد و در تاریخ یازده آبان ۱۳۱۹ دستور داده شد که باحمدآباد منتقل و در آنجا تحت نظر باشد و این وضع تا هنگام سقوط رضا خان ادامه یافت .

پس از سقوط دیکتاتور جنایتکار ، مردم تهران در اسفند ماه ۱۳۲۲ مصدق را به عنوان نماینده اول خود به مجلس شورای ملی فرستادند .

مصدق در این دوره با شعار سیاست موازنه منفی ، تجدید نظر و اصلاح قانون انتخابات و مبارزه با دزدی و فساد وارد مجلس شد .

در همین دوره است که دکتر مصدق قرارداد نفتی ۱۹۳۳ (۱۳۱۲) را با شرکت نفت انگلیس و ایران بباد انتقاد میگیرد و آنرا در واقع تمدید امتیازنامه دارسی که در سال ۱۹۶۱ باید پایان میپذیرفت بمدت ۳۲ سال دیگر یعنی تا ۱۹۹۳ میشمارد و با طرح سخنانی اولین سنگ بنای ملی کردن نفت را میگذارد . وزمانیکه دولت ساعد مذاکراتی را با کمپانی‌های نفتی امریکائی شروع میکندو دولت شوروی هم با توجه باین مذاکرات بعنوان متقاضی دیگری وارد صحنه میشود . مصدق با طرح و تصویب قانون تحریم امتیاز نفت گام مهمی درراه سیاست موازنه منفی برمیدارد و خیال ملت ایران را از جهت قراردادهای مشکوک تازه راحت میسازد .

در دوره پانزدهم دولت های دست نشانده از انتخاب شدن مصدق و وارد شدن او به مجلس جلوگیری می‌کنند .

ولی یک اقلیت ملی در مجلس تشکیل میشود که رهبری این گروه با مصدق در خارج مجلس است .

در جریان انتخابات دوره شانزدهم باز هم اعمال نظرها وتقلب ها آغاز میشود . در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۲۸ دکتر مصدق با همراهی هزاران نفر (حدود ۴۰ هزار نفر) از مردم تهران بعنوان اعتراض به چگونگی انجام انتخابات از منزل خود به طرف دربار راه پیمائی میکند .

محافظان و گارد دربار ازورد جمعیت معترض به محوطه دربار جلوگیری می کنند و بعد از مدتی معطلی بالاخره اعلام میشود که بیست نفر به نمایندگی از طرف جمعیت میتوانند در تحصن و اعتصاب غذای اعتراضی به انتخابات شرکت کنند مصدق همراه ۱۹ نفر از دوستان خود متحصن میشوند و در همین تحصن تاریخی است که جبهه ملی بوسیله مصدق بزرگ بنیان گذاری میشود .

بزودی همه آزادیخواهان و میهن پرستان بصورت افراد . اصناف و احزاب به جبهه ملی میپیوندند و مبارزات جبهه ملی به رهبری مصدق برای تحقق آزادی انتخابات آغاز میشود . در نتیجه کوشش‌های جبهه ملی انتخابات ناتمام باطل میشود و در انتخابات مجدد مصدق و گروهی از یارانش به مجلس شانزدهم راه مییابند . و در مجلس اقلیت جبهه ملی را تشکیل میدهند و همین اقلیت است که با جلب حمایت و پشتیبانی توده ملت موفق میشود مبارزه ضد امپریالیستی ملت ایران را با طرح و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در تاریخ ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۹ به ثمر برساند .

زمامداری مصدق

در این هنگام علاء نخست وزیر بود و ملت ایران

بقیه در صفحه ۳

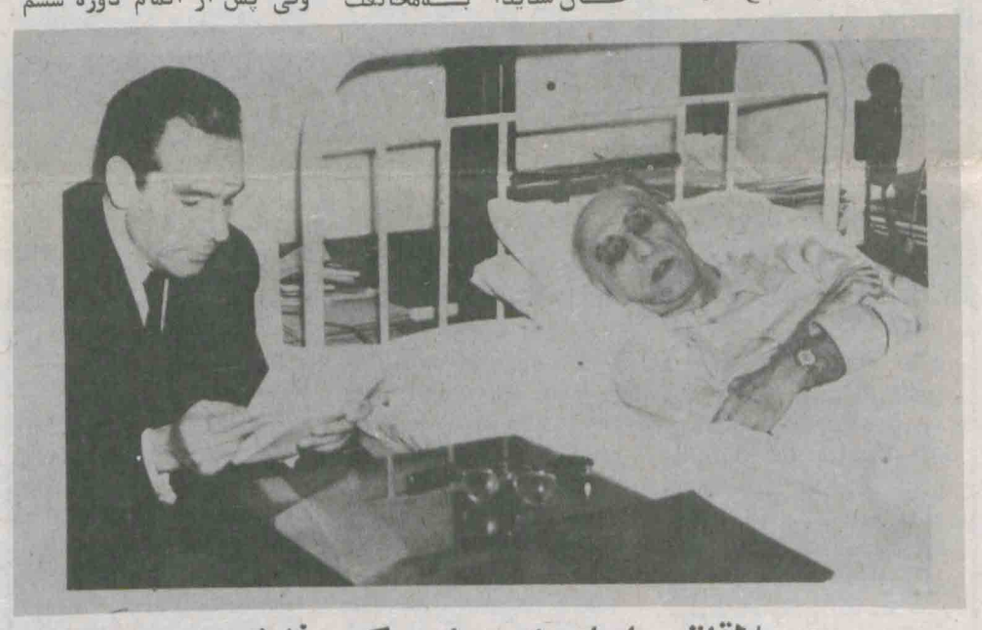

درملاقاتی با یار شهیدش دکتر فاطمی

در دیوان لاهه ـ اوج مبارزات ضداستعماری

فخیمه ! ! انگلستان چنان رفتاری سرسختانه در پیش گرفت که باعث ناراحتی خائنان و خوشوقتی خادمان میهن گردید.

ازجمله مانع دست یابی انگلستان به بعضی از جزایر خلیج فارس مانند ابوموسی و شیخ شعیب گردید و حاضرنشد وجوه بسیاری را که دولت انگلستان ظاهرا "بعنوان خارج از حفظ امنیت ناحیه فارس در جریان جنگ بین المللی اول مطالبه میکردو باطنا" برای پیشرفت مقاصد امپریالیستی خود خرج کرده بود صحه گذارد و بپذیرد . پس از استعفای مشیرالدوله رضاخان سردار سپاه سید ضیاء سقوط کردودر کابینه بعدی مصدق به سمت وزارت دارائی منصوب شد اما تا مدت چند ماه بعلت وجود آرمیتاژ اسمیت مستشار انگلیسی آن وزارتخانه که حضورش از مظاهر قرارداد ننگین ۱۹۱۹ بود این سمت را قبول نکرد تا آبان سال ۱۳۰۰ پس از رفتن مستشار مذکور و پس از اینکه مجلس شورای ملی اختیاراتی در زمینه اصلاحات در وزارت دارائی باو داد دراین پست حاضر شده و به خدمات و اصلاحات دامنه‌داری دست زد .

اغتشاش در آذربایجان

در اواخر کابینه مشیرالدوله پیرنیا ، اوضاع آذربایجان به اغتشاش ووخامت گرائید نخست وزیر وقت از مصدق تقاضا کرد که بمنظور رفع این بحران و تمشیت امور ، استانداری آذربایجان را بپذیرد و روی این اصل ، وی به تبریز وارد و در مدت کوتاهی به آنهمه بی سروسامانی خاتمه داده و در انجام امور موفق گردیده و مشکلات حاصله را از پیش پای دولت مرکزی برداشت ولی پس از چند ماه بعلت کارشکنی‌های گوناگون رضاخان وزیر جنگ به استعفا مبادرت و به مرکز مراجعت نمود .

وی مجددا " در خرداد ۱۳۰۲ از طرف نخست وزیر وقت مشیرالدوله بکار دعوت و به وزارت امور خارجه منصوب شد . و نسبت به توقعات و جهانخواری و مطامع دولت

مصدق:

شما مردم خیرخواه ووطن پرست که در اینجا جمع شده اید مجلس هستید و آنجا که یك عده مخالف مصالح مملکت هستند مجلس نیست

که علاء را نوکر و گوش بفرمان انگلیس میشناخت میدانست که او اجراکننده قانون ملی شدن نفت نیست بهمین علت همه جاصحبت ازتشکیل دولت ملی برای اجرای قانون ملی شدن نفت میشدو همه نگاهها متوجه مصدق بود علاء بدستور اربابان و برای باز کردن راه تشکیل دولت سیدضیاءالدین طباطبائی استعفا داد.

عوامل هیئت حاکمه در مجلس بخیال اینکه دکتر مصدق مانند مجلس چهاردهم پیشنهاد نخست وزیری را نخواهد پذیرفت و بهانه‌ای برایش باقی نخواهد ماند بزمامداری مصدق اظهار تمایل کردند و نقشه آنها این بود که پس از امتناع مصدق، سیدضیاء را وارد صحنه نمایند و او قضیه نفت را بزوش انگلیسی خود حل نماید.

مصدق که نهضت را در خطر میدید پیشنهاد زمامداری را مشروط به تصویب قانون طرز اجرای ملی شدن نفت پذیرفت و مجلسی که اکثریت آن را نمایندگان جدا از راه مردم تشکیل می‌دادند زیر فشار افکار عمومی وقدرت نهضت ملی نتوانست با این شرط مصدق مخالفت نماید، درتاریخ هفتم اردیبهشت قانون طرز اجرای قانون ملی شدن نفت بتصویب مجلس شورای ملی رسید و در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ مصدق کابینه خود را به مجلس معرفی نمود و برنامه دولت خود را در دو ماده بیان کرد.

۱ ـ اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن نفت وتخصیص عواید حاصله از آن بتقویت اقتصادی کشور و موجباب رفاه و آسایش عمومی.

۲ ـ اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها.

در خردادماه مصدق هیئت مدیره موقت شرکت نفت ملی ایران را تعین و مامور خلع ید از شرکت استعماری نفت انگلیس نمود در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ خلع ید ازشرکت نفت انگلیسی بعمل آمد و آرزوی دیرینه ملت ایران بدست مصدق کبیر جامه عمل پوشید و پس از توطئه‌های پی در پی ورنگارنگ امپریالیسم جهانی و عوامل داخلی آنها علیه نهضت ملی ایران و رهبر بزرگ آن آغاز شد توطئه‌های تحریم نفت ایران تا تهدید نظامی ومحاصره اقتصادی وتحریک عوامل داخلی یکی بعد از دیگری شروع شد.

مصدق در تاریخ ۱۴ مهرماه ۱۳۳۰ که میخواست درباره اخراج کارشناسان انگلیسی از ایران در جلسه علنی مجلس توضیحاتی بدهد، عده‌ای از نمایندگان عامل اجنبی به مجلس نیامدند و جلسه تشکیل نشد. مصدق بجلوی سر در مجلس رفت و خطاب به گروههای زیادی از مردم که برای حمایت از او اجتماع کرده بودند گفت:

"ای مردم شما مردم خیرخواه و وطن پرست که در اینجا جمع شده اید مجلس هستید و آنجا که یک عده مخالف مصالح مملکت هستند مجلس نیست". وگزارش خود را مستقیما به گروهی از مردم که در مقابل مجلس گرد آمده بودند داد و مردم نیز بمصدق نشان دادند که اگر مجلس در راه مقدس او کارشکنی کند او را تنها نخواهند گذاشت.

مصدق در ۲۳ مهرماه ۱۳۳۰ در شورای امنیت حاضر شده و از حقانیت ملت ایران دفاع کرد و شورای امنیت قعطنامه شکایت انگلیس را مسکوت گذاشت.

> **من به تمام مقرراتی که حمایت از رنجبر میکند معتقدم.**
> **من غیر از حمایت از این طبقه مرامی ندارم**
> **و نمی‌خواهم که کارگری بنفع سرمایه دار بیچاره وزبون شود.**

مصدق در اول دیماه ۱۳۳۰ با انتشار اوراق قرضه ملی و کمک گرفتن از ملت مشکلات مالی کشور را که در محاصره اقتصادی قرار داشت برطرف نمود.

مصدق در بهمن ماه ۱۳۳۰ انحلال کنسولگری‌های انگلیس و شعب شورای فرهنگی انگلیس را که بمراکز توطئه‌های ضد ملی تبدیل شده بود اعلام کرد.

مصدق در خردادماه ۱۳۳۱ به لاهه رفت و با ارائه ۱۸۱ سند دخالت انگلیس را در امور ایران باثبات رسانید تا آنجاکه حتی قاضی انگلیسی دادگاه بنفع ایران رای داد.

مصدق در تیرماه ۱۳۳۱ ودر بازگشت از لاهه هنگامیکه سراسر ایران در تحسین از او به هیجان آمده بود موقعیت را برای محدود کردن آخرین پایگاه استعمار یعنی دربار مناسب دید وبه شاه اعلام کرد کمعنوان نخست وزیر ومسئول امور مملکت خواستار پست وزارت دفاع وفرماندهی نیروهای مسلح میباشد و چون شاه ازقبول درخواست او سرباز زد استعفا داد و منتظر حمایت ملت نشست و شاه قوام السلطنه را به نخست وزیری برگزید وچنین بود که ملت حماسه جاویدان ۳۰ تیر را آفرید و با فریاد یامرگ یا مصدق و با دادن خون به حمایت از او برخاست و مصدق را مجددا به کرسی نخست وزیری بازگرداند. وشاه را مجبور به قبول شرایط وی نمود.

مصدق در ۳۰ مهر ۱۳۳۱ با دولت انگلیس قطع رابطه سیاسی نمود.

مصدق در ۲۵ آذر ۱۳۳۱ با تصویب مجلس تاسیسات تلفنی را در سراسر کشور وهم چنین شرکت شیلات را ملی اعلام کرد.

کودتای ۲۸ مرداد

در این هنگام که فریاد مصدق از مرزهای ایران رفت.

توطئه کودتای ۲۵ مرداد ۳۲ نیز با شکست روبرو شدو مصدق عوامل کودتا را دستگیر نمود وشاه خائن این بار از کشور فرار کرده وبه آغوش اربابان خود پناهنده شد. بالاخره توطئه کودتای نظامی سازمان سیا در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حکومت ملی و قانونی مصدق را سرنگون کرد و شاه خائن را به ایران بازگرداند و دیکتاتوری سیاه ۲۵ ساله‌اش را بر این ملت رنجدیده تحمیل نمود. پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد مصدق بازداشت ودر بیدادگاه نظامی به محاکمه کشیده شد ولی قهرمان ملی ما بیدادگاه را به محاکمه کودتاچیان تبدیل نمود:

"تنها گناه من وگناه بزرگ و بسیار بزرگ من اینست که صنعت نفت ایران را ملی کردم وبساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراطوری جهان را از این مملکت برچیدم حیات من و مال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال وعظمت و سرافرازی میلیونها ایرانی ونسل‌های متوالی این ملت کوچکترین ارزشی ندارد و از آنچه برایم پیش آمد هیچ تاسف ندارم و یقین دارم وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده‌ام دادرسی معلوم است که در گوشه زندان خواهم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه در خیر مردم بکار برده‌ام خاموش خواهند کرد و جزدر این لحظه نمیتوانم با هموطنان عزیز صحبت کنم بدینوسیله از مردم رشید و عزیز ایران مرد و زن تودیع می‌کنم و تاکید میکنم که در راه پرافتخاری که قدم برداشته اند از هیچ حادثه‌ای نهراسند."

بیدادگاه نظامی سرانجام مصدق را به سه سال زندان محکوم نمود زیرا که فشار افکار عمومی مردم ایران و جهان امکان هر تصمیم شدیدتری را از رژیم گرفته بود. دوره زندان او در سلطنت آباد و سپس لشکر دو زرهی طی شد ودر سال ۱۳۳۵ ظاهرا از زندان آزاد و به احمدآباد فرستاده شد ولی در احمدآباد همیشه تحت نظر ماموران شخصی و نظامی بود و جز با خویشان نزدیک خود حق ملاقات نداشت و همیشه در مکاتبات خود به زندانی بودنش اشاره میکرد.

مصدق در سال ۱۳۴۱ با پیامی که بر روی نوار ضبط شده بود نخستین کنگره جبهه ملی ایران را که در شرایط خفقان پلیسی در منزلی در تهران پارس تشکیل یافته بود افتتاح نمود.

در آذرماه ۱۳۴۵ بزرگ مرد تاریخ ایران ناراحتی‌های غیرعادی در ناحیه دهان و فک فوقانی خود احساس میکرد و چون شناسائی بیماری و درمان در احمدآباد میسر نبود با بازگشت او به تهران موافقت شد. او در بیمارستان نجمیه بستری گردید و سپس در منزل فرزندش اقامت گزید ولی همواره تحت نظر و از ملاقات با مردم محروم بود. بیماری او سرطان فک تشخیص داده شد.

مصدق هیچگاه برای معالجه حاضر به ترک خاک ایران نبود ولی فرزندانش بدون اطلاع و اجازه او کوشش‌هائی را برای مسافرتش بخارج شروع نمودند. اما موفق به جلب موافقت حکومت نشدند و فقط مقامات توصیه کردند که پزشکان خارجی را برای معاینه او به ایران بیاورند و وقتی او از این اقدامات مطلع گردید خشمگین شد و گفت:

"لعنت بر من و هر کس دیگر که در این زمان خرج چندین خانوار این ملت فقیر را صرف آوردن دکتر از خارجه بنماید. من خاک پای این ملتم و مقدرات من از مقدرات او جدا نیست. هرامکانی که در داخل کشور برای معالجه وجود داشته باشد برای من کافی است بعلاوه آوردن دکتر از خارج توهین به اطبای ایرانی است و من حاضر باین توهین نیستم."

وسرانجام روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ ساعت یک ربع به هفت صبح مصدق هموطنان خود را برای همیشه ترک گفت و در تاریخ این مرز وبوم به جاودانگی پیوست. و این وصیت او بود.

"وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر دفنند دفن نمایند."

دفاع از حقانیت ایران در شورای امنیت در کنار یار دیرینه‌اش الهیار صالح

در میدان بهارستان و میان مردم . .

در کنار دوستانش ـ از چپ به راست
دکتر شایگان ، دکتر سنجابی و مهندس رضوی

ای پرچم ایران همایون آثار
ای مایه‌ی افتخار این شهره دیار
از فر سه رنگ توست ایران عزیز
سر سبز و سپید بخت و گلگون رخسار

ادیب برومند

دیدهٔ روزگار ، کم دیده
چون مصدق زعیم ایراندوست
مرد آزاده و موحد و پاک
عاشق ملت و وطن همه اوست

حائری

به مایاری دهید

ادامه انتشار و توسعه فعالیت پیام جبهه ملی در گرو یاری کمک‌های بزرگ و کوچک تو هموطن گرامی است.

دفتر روزنامه و حساب شماره ۳۱۱۴۲۵ بانک تجارت (ایرانشهر) شعبه میدان انقلاب اول خیابان آزادی آماده دریافت کمک‌های نقدی است.

از هموطنان عزیزی که به حساب مزبور کمکهای خودرا واریز مینمایند خواهشمنداست یک برگ فتوکپی حواله بانکی را به دفتر روزنامه ارسال دارند.

پیام
جبهه ملی
نشریه سیاسی

صاحب امتیاز : دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول : صغر پارسا
نشانی : خیابان کارگر (سیمتری) نزدیک میدان انقلاب
تلفن : ۹۲۱۲۰۰

یکشنبه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۹
شماره ۲۸ صفحه ۴

ملاقات دکتر سنجابی با امام خمینی

صبح روز جمعه دکتر کریم سنجابی عضو شورای مرکزی وهیات رهبری جبهه ملی ایران براساس قرار قبلی در محل اقامت امام خمینی رهبر انقلاب با ایشان دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار مسائل مملکتی، مشکلات کردستان و ناهنجاریهای اوضاع کرمانشاه مورد گفتگو قرار گرفت.

تعطیل انتخابات کانون

خارج کشور ندلذا نسبت وکلائی که از هر دسته و گروه مشمول تصفیه واقع خواهند شد به نسبت تعداد وکلای دادگستری که اکثریت قریب باتفاق آنانرا افراد شرافتمند، آزاده وصالح تشکیل میدهند آنقدر نیست که بتواند در سرنوشت انتخابات موثر باشند.

تعطیل انتخابات کانون باین عنوان جز این نیست که وکلاء دادگستری از حق مشروع و قانونی خود برای اداره امور خویش محروم شده و اولین ضربه باستقلال این نهاد اجتماعی که در کمال افتخار وظائف خود را نسبت بانقلاب ایران صمیمانه انجام داده است وارد گردد.

بانوجه بمراتب ضمن اعتراض شدید باین تصمیم که منافی استقلال کانون وکلا دادگستری است تقاضا دارد از هرگونه دخالت که موجب تاخیر انتخابات گردد ممانعت بعمل آورند.

دکتر اسدالله میشری ابراهیم فخرائی ـ دکتر عبدالکریم انواری ـ محمود ابطحی ـ انورحمیدی ـ احمد رضی رضوی ـ منوچهر مسعودی دکتر حشمت‌الله مقصودی علی اشرف منوچهری.

مجلس شورای ملی در راه شورای انقلاب

از سانسور و پنهان کاری کار خود را آغاز کرده است.

گرچه برطبق قانون اساسی جمهوری اسلامی مذاکرات مجلس شورای ملی علنی است و مقصود از علنی بودن این است که همه مردم از آنچه در مجلس میگذرد آگاه گردند

ولی امروز خلاصه‌ای از رئوس تصمیمات جایگزین انتشار مذاکرات مشروح مجلس شورای ملی شده است.

روش پنهان کاری از مردم بدترین روشی است که بعداز انقلاب از دوران طاغوت به ارث باقی مانده و رویه غیرقابل تغییر حاکمان جدید شده است.

مهمترین تغییری را که امام خمینی بعد از پیروزی انقلاب نوید داد و با صدای رسا به همه مردم و تمام جهان اعلام داشت این بود که حکومت جمهوری اسلامی هیچ امری را از ملت پنهان نخواهد کرد.

علاوه بر آنکه همه مردم باید در سرنوشت خود دخالت کنند باید از همه رویدادها نیز مطلع باشند و اصولا" شرط اصلی امکان دخالت مردم در سرنوشت خود وقوف آنان به واقعیات رویدادهای کشور است.

ولی علیرغم این حقایق شورای انقلاب پرده استتار بر روی خود کشید و بعنوان نخستین نهاد انقلابی اصل پنهان کاری و مخفی نگاهداشتن از دید مردم را بعنوان اساسی ترین و مهمترین روش عمل خود انتخاب کرد.

تاماههای طولانی مردم از نام اعضای شورای انقلاب خبر نداشتند و وقتی هم که بسبب پافشاری عمومی و محافل آگاه نام اعضای شورای انقلاب فاش و تعداد آن مشخص گردید هیچگاه مذاکرات این شوری به اطلاع توده مردم نرسید.

آنچه مردم از شورای انقلاب و عملکرد شا نزده ماهه آن خبر دارند فقط رئوس قسمتی از تصمیمات این شوری است.

روش شورای انقلاب کم کم روش همه سازمانهای کشوری و نهادهای انقلابی گردید.

امروز سانسور و پنهان کاری و بی اطلاع نگهداشتن مردم یک امر عمومی و قطعی و الزامی شده است.

اگر رادیو و تلویزیون بعداز شورای انقلاب به سانسور گردن نهاد و این ارثیه دوران طاغوت را دودستی حفظ کرد، امروز مطبوعات بخصوص روزنامه‌های کثیرالانتشار پس از مدتی مقاومت از همین روش پیروی میکنند و از پخش اخبار بصورت واقعی و از انتشار همه رویدادهای کشوری خودداری مینمایند.

باکمال تاسف باید گفت که اخبار واقعی همراه شایعات و خبرپراکنی های مغرضانه به دهان میگردد و توجه به رادیوهای علنی و سری خارجی مجددا رواج پیدا کرده است.

باآنکه انتظار میرفت بر اثر تغییراتی که در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان پیش آمده این روزنامه‌ها در وضع مناسبتری به خدمت انقلاب و جامعه انقلابی در آیند متاسفانه شاهد و ناظر سقوط این دو روزنامه مهم کشور هستیم، بخصوص روزنامه اطلاعات که حتی از درج خبر اعلان سخنرانی گروهها و سازمانهای سیاسی هم خودداری میکند.

اطلاعات و کیهان تحت حکومت سانسور و براثر تسلط جوفشار وتهدید به دوروزنامه مبتذلی تبدیل شده‌اند که حتی برای یک نگاه هم ارزش ورق زدن ندارند.

آیا مجلس شورای ملی هم به دنبال شورای انقلاب خواهد رفت؟

آیا مجلس شورای ملی از روش رادیو و تلویزیون بعد از انقلاب تقلید خواهد کرد؟

آیا مجلس شورای ملی برنامه‌ای را که برای روزنامه‌های کشور پیاده کرده‌اند نصب‌العین خود قرار خواهد داد؟

آیا آخرین امیدی که برای اجرای قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی در دلها باقی مانده اینچنین از بین خواهد رفت؟

فخرالدین حجازی

استبداد دربار و هیات حاکمه خائن اشتغال و شهرت داشتم، پس از کودتای ۲۸ مرداد یکلی فعالیتهای سیاسی را ترک گفتم و بامور تبلیغات دینی محض پرداختم که البته تباین امور سیاسی و دینی خود موضوعی بحث انگیز و در خور مقالات مبسوط و مفصلی است.

در سال ۱۳۳۵ بنا بدرخواست آقای محمد صادق تهرانیان مدیر روزنامه خراسان بعنوان سردبیر روزنامه به مشهد کوچ نمودم ولی خوشبختانه پس از ورود به مشهد واعلام آمادگی برای تصدی سمت پیشنهادی مدیر روزنامه بعلت مخالفت سرگرد آرشام رئیس مخوف سازمان امنیت خراسان که در آن سامان مشهور است، وبنابر سوابق مبارزات سیاسی گذشته‌ام موضوع سردبیری روزنامه بفضل الهی منتفی و آقای فخرالدین حجازی کماکان در پست سردبیری روزنامه ابقاء شدند و خوب بخاطر دارم در آن هنگام آقای دکتر علی شریعتی که دانشجو بودند با روزنامه مذکور همکاری داشتند و باید متذکر شوم که پس از مخالفت سازمان امنیت چاپ سلسله مقالاتم تحت عنوان "قران قانون آسمانی بشر" که بعدا بصورت کتابی جداگانه چاپ شد، قطع گردید.

وتوخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

با احترام ـ فرهنگ نخعی (ریمن سابق)

مصدق: من با پای خود برخلاف قانون رفتار نخواهم کرد

مهندس احمد مصدق فرزند دکتر مصدق در نقل خاطره‌یی از پدر میگوید.

در تیرماه سال ۱۳۱۹ من و پدرم در تهران درخانه خود بسر می‌بردیم.

در آن سالها بیماری مالاریا شیوع داشت و بعلت عدم وجود داروهای امروزی ما برای دهقانان احمدآباد مشغول تهیه کپسول گنه‌گنه بودیم. در این حین صدای در برخاست و مستخدم خانه برای بازکردن در رفت و در مراجعت گفت که دو نفر برای ملاقات با آقای دکتر مصدق آمده اند.

پدرم مرا برای راهنمائی آنان فرستاد. در پشت دردو نفر افسر از اداره شهربانی زمان رضاخان منتظر بودند و من آنان را به داخل اتاق راهنمائی کرده و پدرم بعد از تعویض لباسها به داخل اتاق آمد.

آنان اظهار داشتند که برای تفتیش خانه آمدند. دکتر مصدق به آنان پاسخ داد که چون شما برطبق قانون حق این کار را دارید من مخالفتی ندارم. آنان پس از تفتیش سرسری قسمتهایی از خانه اعلام داشتند که شما باید همراه ما به شهربانی بیائید.

دکتر مصدق پاسخ داد که شما طبق قانون اجازه این کار را نداشته و حتما" باید حکم دادگاه را همراه داشته باشید. آنان به او نصیحت کردند که با پای خود بیائید وگرنه به زور شما را خواهیم برد.

مرحوم مصدق نیز جواب داد که چون شما طبق قانون اجاره این کار را ندارید من نیز با پای خود برخلاف قانون رفتار نخواهم کرد و سرانجام نیز آنان بازور وی را همراه خود به شهربانی برده و بعد به زندان بیرجند فرستادند.

این عمل علاقه شخص دکتر مصدق را به قانون وحفظ و احترام به اجرای صحیح آن نشان می‌دهد.

مهندس احمد مصدق

خاطره دکتر سنجابی

در زمان تحصن اول دکتر مصدق در دربار برای آزادی انتخابات در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی دکتر مصدق این مطلب را بیان داشت که من پس از مراجعه به دربار برای تحصن متوجه گشتم که عده‌ای افراد مشکوک مانند امام جمعه و پنج شش تن دیگر نیز برای همراهی به دربار آمده‌اند و این مسئله باعث شگفتی و آگاهی من به این امر گردید که من ناخودآگاه مورد سوء استفاده عوامل انگلیس قرارگرفته ام و آنان با همراه کردن این عده قصد زمینه سازی و ایجاد افترا و تهمت را برای من فراهم کرده‌اند، و در نتیجه من با عجله هرچه تمامتر به تحصن خود پایان دادم.

دکتر کریم سنجابی

مصدق و حماسه نبرد با امپریالیزم

بود و آشنا می نمود. مصدق بنبان گذار اندیشه و سیاست موازنه منفی، با درک آگاهانه از شرایط حساس سیاسی زمان، نه تنها ملت ایران را به گود مبارزه با اسعمار داخل ساخت، بلکه روشن بینانه نیروی چپ وابسته را که با استفاده از نارسائی‌های فراوان جامعه ایران، میرفت تا کسب موقعیت کند، نخست بی اعتبار و سپس رسوا ساخت.

بی جهت نبود که حزب توده همگام با استعمارگران انگلیسی و امپریالیزم تازه نفس آمریکا و دربار محمدرضا خانی، شدیدترین وبی امان‌ترین مبارزه را با دکتر مصدق و حکومت ملی او دنبال میکرد. تز معروف *سیاست موازنه منفی* مصدق نه تنها توان بخش مبارزه ضد استعماری ملت ایران و خنثی سازنده توطئه‌های تبلیغاتی دشمنان ملت ایران بود، بلکه اساس سیاست ملی عدم وابستگی به شرق وغرب را بعنوان اصلی بنیادی در تاریخ میهن ما مطرح ساخت.

دکتر مصدق با شناخت دقیقی که ازاوضاع میهن خویش داشت بروشنی دریافته بود که برای برکنار ساختن رژیم پهلوی و ایجاد دگرگونیهای بنیادی در حیات کشور و ساختن جامعه‌ای مرفه و آزاد وسربلند، باید عامل اصلی همه این نابسامانیها را از میان برداشت، از اینرو مصدق مبارزه ضد استعماری و ضد استثماری را سرلوحه جنبش نجات خویش قرار دادو با رهبری دلیرانه و هوشمندانه و قاطعانه خود به جنبش ملت ایران ابعادی جهانی بخشید، بنحوی که به‌حق امروز نهضت ملی ایران را الهام بخش و سرآغاز تمامی نهضت های رهائی بخش آفریقا وآسیا بشمار میآورند.

مصدق از آنجا که میخواست اصل وابستگی کامل به شرق و غرب را بعنوان بنیاد سیاست ملی ایران پایه‌گذاری کند، از هرگونه مماشات و سازش نسبی با آمریکا و انگلیس در مذاکرات مربوط به نفت خودداری کرد و نه تنها از روسیه طلب کمک نکرد، بلکه شیلات شمال را نیز ملی اعلام کرد.

در عین حال مصدق بدون آنکه به واقعیت‌ها توجه داشته باشد مبارزه را شعارگونه دنبال نمیکرد. او برای آنکه کشور از نظر اقتصادی به ناتوانی دچار نشود و بزانو در نیاید، با وجود مشکلات بسیار، کوشید تا به تولید داخلی سامان ببخشد و دراین راه تا بدانجا پیشرفت که بودجه متعادل بدون درآمد نفت را عرضه داشت.

در تمامی طول حکومت دکتر مصدق مردم با روحیه‌ای شاد وامیدوار از او پشتیبانی کردند و تا بدانجا اخلاص نشان دادند که حماسه سی تیر را آفریدند.

اندیشه و راه مصدق در تمامی مبارزات مخفی و آشکار ملت ایران، از کودتای ۲۸ مرداد ماه تا پیروزی انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، همیشه الهام بخش مردم میهن ما بوده و هیچ جریان آگاه واصیل ملی خود را بی‌نیاز از تکیه بر نهضت ملی ایران ندیده است.

امروز که شانزده ماه از انقلاب توفنده ملت ایران می گذرد بیش از هر زمان دیگر حقانیت واهمیت و نقش عظیم جنبش ملی ایران برهبری دکتر محمد مصدق رهبر جبهه ملی ایران، برهمگان روشن گشته است و اعتبار این پیشوای بزرگ و ابر مرد تاریخ معاصر ایران مسلم شده است.

حالب آنکه گروهی از انحصار طلبان و مارکسیست‌های فرصت طلب، مدتهاست برآنند تا با اعاده حیثیت ازبرخی از شخصیت‌ها، بقول خویش موجبات آنرا فراهم سازند تا تاریخ نهضت ایران را در جهت دگرگون جلوه دادن واقعیت ها وکم بهادادن به مصدق بازنویسی کنند.

که باید گفت عرض خود میبرند و زحمت ما میدارند.

تسلیت

با نهایت تاسف و تاثر اطلاع یافتیم آقای حاج محمد حسین پارسا بزرگ خاندان پارسا و عموی جناب آقای پارسا عضو شورای مرکزی و کادر رهبری جبهه ملی به‌رحمت ایزدی پیوسته است.

درگذشت آن فقید سعید را به عموم بازماندگان آن مرحوم و خانواده‌های عزادار بویژه جناب آقای اصغر پارسا تسلیت می‌گوئیم.

جبهه ملی ایران

در کمال تاسف و تالم درگذشت عموی بزرگوار جناب آقای اصغر پارسا مدیر روزنامه پیام جبهه ملی را به ایشان و خانواده‌های عزادار صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

هیئت تحریریه روزنامه پیام جبهه ملی

خبرهای کوتاه

گسترش اعدام زندانیان سیاسی در عراق

لندن ـ خبرگزاری آسوشیتدپرس ـ سازمان عفو بین‌المللی گزارش داد. دولت عراق اعدام زندانیان سیاسی را گسترش داده و طی یک دوره شش هفته‌ای در سال جاری، ۱۰۰ نفر را اعدام کرده است. این سازمان همچنین عراق را متهم کرد که گاهی اوقات زندانیان را برای اعتراف گرفتن مورد شکنجه قرار میدهد و سپس آنان را در دادگاههای محرمانه و شتابزده، به مرگ محکوم می کند.

گزارش سازمان عفو بین المللی بخشی از یک تلاش تازه بین‌المللی برای متقاعد کردن مقامات عراقی در مورد متوقف کردن اعدامهای روز افزون دراین کشور و نیز بدست آوردن اطلاعات درباره ۲۵۷ نفری است که بین سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ اعدام شده‌اند.

در گزارش سازمان عفو بین المللی گفته میشود: کسانی که طی سال گذشته در عراق اعدام شده‌اند اعضای جامعه شیعیان این کشور از جمله آیت‌اله محمد باقر صدر، کردهای خواهان خود مختاری مقامات دولتی و نظامیانی که طی یک تصفیه گسترده پس از جانشین شدن صدام حسین بجای احمد البکر دستگیر شدند، بوده‌اند.

سازمان عفو بین المللی در گزارش خود ادعا کرده است که احکام اعدام را در دادگاههای محرمانه، مقامات دولتی صادر می کنند نه قضات و قبل از محاکمه مجرمین، امکان تماس با آنها وجود ندارد. مجرمین حق دفاع و فرجام خواهی ندارند واحکام غالبا" براساس اعترافاتی صادر میشود که زیر شکنجه از متهم گرفته شده است.

همکاری ساواک وسیا

پورت‌لند ـ اوربگن ـ خبرگزاری یونایتدپرس ـ "جان اندرسن" کاندیدای مستقل ریاست جمهوری آمریکا گفت، اگر ثابت شود که سازمان سیا با پلیس مخفی شاه در شکنجه و قتل همکاری میکرده، وی از ایران معذرت خواهد خواست.

اندرسن در پاسخ به سئوالی گفت: ما در روابط خود باایران، طی سالیان دراز مرتکب اشتباهاتی جدی شده‌ایم.

اندرسن گفت: باعتقاد من شکی وجود ندارد که ساواک (پلیس مخفی شاه) در قتل و شکنجه و دیگر فعالیتهای ناقض حقوق بشر، شرکت داشته است.

اندرسن گفت: اتهام این است که سیا با ساواک در این فعالیتها همکاری میکرده است. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، در اینصورت من از ایران معذرت خواهم خواست لکن قبل از اینکه این مسئله یعنی شرکت آمریکا در این جنایات ثابت شود من در مقابل باج خواهی زانو نخواهم زد.

اندرسن گفت: باعتقاد من، سفر رمزی کلارک به‌ایران سازنده نبوده، لکن من وی را زندانی نخواهم کرد. ۸۵۰ نفر از مردم شهر اورگون که به سخنان اندرسن گوش میدادند، سخنان وی را مورد تائید قرار دادند.

تقویت نیروی دریائی در اقیانوس هند

واشنگتن ـ خبرگزاری رویتر ـ پنتاگون روز چهارشنبه اعلام کرد، نیروی دریائی ایالات متحده ناوگانی مرکب از هفت کشتی که توسط غیر نظامیان اداره میشود، به‌اقیانوس هند اعزام داشته است. این ناوگان که ماه آینده به‌اقیانوس هند خواهد رسید، حامل سلاح تجهیزات برای ده هزار تفنگدار دریائی آمریکائی است.

بگفته مقامات وزارت دفاع آمریکا، حضور این کشتیها در اقیانوس هند تا حد زیادی نیروی دریائی آمریکا دراین منطقه را تقویت خواهد کرد. ازآغاز بحران ایران و افغانستان در اواخر سال گذشته، تعداد کشتیهای آمریکائی در اقیانوس هند بین ۲۵ تا ۳۰ فروند بوده که دو ناو هواپیما بر نیز جزو آنهاست.

توضیح طرفداران آقای فخرالدین حجازی

روز پنجشنبه گذشته عده‌ای از طرفداران آقای فخرالدین حجازی به محل روزنامه پیام جبهه ملی مراجعه نموده و و نامه‌ای تسلیم نمودند حاکی از اینکه اجتماع ایشان در برابر ساختمان جبهه ملی جهت پشتیبانی از نماینده اول تهران بوده و هیچگونه حمله‌ای با سنگ و بطری صورت نگرفته و اتومبیلی نیز آنها را رهبری نمیکرده واین اجتماع بدون اطلاع آقای فخرالدین حجازی انجام گرفته است.